

## رابرت وانوی، پیامبران بزرگ، درس ۲۹ - حزقیال شماره ۵

حزقیال ۴۰-۴۸ معبد رویایی

حزقیال ۴۰-۴۸ هیچ تفسیر متنی صریحی ارائه نشده است

در حزقیال ۴۰-۴۸، شما شرحی از رؤیایی دارید که حزقیال دریافت می‌کند. چیزی که در اینجا با رؤیاهای قبلی متفاوت است این است که حزقیال پیش از این رؤیاهای زیادی دیده است، اما پیش از این، حزقیال رؤیاهایی داشت که برایش توضیح داده شده بود. ما در جلسه گذشته به رؤیای استخوان‌های خشک پرداختیم، جایی که او رؤیایی از استخوان‌های خشک داشت که زنده می‌شدند و گوشت می‌گرفتند. اما خداوند در حزقیال ۱۴:۳۷ در زمینه آن رؤیا می‌گوید: «من قوم اسرائیل را دوباره زنده خواهم کرد و به آنها حیات تازه خواهم دمید.» بنابراین شما حداقل اشاره‌ای به آنچه که این رؤیا قصد به تصویر کشیدن آن را دارد، دارید. پیش از این در کتاب، او رؤیایی از شرارت اورشلیم و اتفاقاتی که در اورشلیم در زمان حضور خودش در بابل رخ می‌داد، دید، اما سپس خداوند می‌گوید: «من اورشلیم را به خاطر شرارتش مجازات خواهم کرد. من این شهر اورشلیم را نابود خواهم کرد.» اما وقتی به فصل ۴۰ و بعد از آن می‌رسیم، این رؤیا را داریم که به صورت یک واحد، از ۴۰ تا ارائه شده است. با این حال، هیچ توضیحی در مورد معنای آن ارائه نشده است. البته، این بخشی از دلیل ۴۸، تفاوت در تفسیر این بخش است. اما من فکر می‌کنم این خود دلیلی است که در نتیجه‌گیری در مورد معنای دقیق آن، عجله نکنیم. ما قصد داریم در ادامه به برخی از جایگزین‌ها نگاهی بیندازیم.

### ۱. محتوای حزقیال ۴۰-۴۸

الف. توصیف معبد رویایی

اما به طرح کلی خود توجه کنید. ۱. در زیر «فصول ۴۰-۴۸» آمده است: «محتوای فصول ۴۰-۴۸.» من سه نکته فرعی در زیر آن دارم. فصول ۴۰-۴۳: «توصیف معبد رویایی.» «فصول ۴۴-۴۶» توصیف پرستش معبد رویایی «و فصول ۴۷-۴۸»: «مرزها و تقسیم زمین در رویای حزقیال» است. بنابراین فکر می‌کنم مطالب به خوبی به این سه بخش تقسیم شده‌اند. مطالب زیادی در اینجا وجود دارد و هنگام خواندن آن، جزئیات بسیار زیادی وجود دارد.

بیا به نگاهی به... بیندازیم. ابتدا، «فصل‌های ۴۰-۴۳». هر ویژگی کوچک این معبد رویایی توصیف و در بیست و پنجمین سال تبعید ما، در ابتدای «اندازمگیری شده است. نحوه شروع آن را در پنج آیه اول می‌بینید در «- یعنی چهارده سال پس از سقوط اورشلیم - «سال، در دهم ماه، در چهاردهمین سال پس از سقوط شهر بنابراین در این موقعیت رویایی، حزقیال به «. همان روز، دست خداوند بر من فرود آمد و مرا به آنجا برد

در رؤیاهای خدا، او مرا به سرزمین اسرائیل برد و بر کوهی بسیار بلند که در ضلع « اسرائیل آورده می‌شود جنوبی آن بناهایی شبیه به یک شهر وجود داشت، قرار داد. او مرا به آنجا برد و من مردی را دیدم که چهره‌اش «مانند برنز بود. او با ریشمانی کتانی و میله اندازه‌گیری در دست، در دروازه ایستاده بود.

آن مرد به من گفت: ای پسر انسان، با چشمانت « بنابرین، اینجا مردی با یک ابزار اندازه‌گیری است ببین و با گوش‌هایت بشنو و به هر آنچه به تو نشان می‌دهم توجه کن، زیرا به همین دلیل است که به اینجا آورده شده‌ای. هر آنچه می‌بینی را به خاندان اسرائیل بگو

### شرح مفصل معبد

آنچه در ادامه می‌آید، این رؤیا از این معبد است که توسط این مرد، قسمت به قسمت اندازه‌گیری شده دیواری دیدم که کاملاً محوطه معبد را احاطه کرده بود. طول چوب اندازه‌گیری در دست آن مرد شش « است. ذراع بلند بود که هر کدام یک ذراع و یک کف دست بود. او دیوار را اندازه‌گیری کرد؛ یک چوب اندازه‌گیری به بنابرین در آیه پنجم، به نی اندازه‌گیری به طول شش « ضخامت یک کف دست و یک کف دست ارتفاع داشت ذراع اشاره شده است. حال، طول یک ذراع بستگی به این دارد که ذراع بلند باشد یا کوتاه (این می‌گوید یک ذراع و یک کف دست، که حدود ۲۱ اینچ می‌شود)؛ یک ذراع بلند حدود ۲۱ اینچ و یک ذراع کوتاه ۱۸ اینچ است. این نی، شش ذراع، حدود ده و نیم فوت طول خواهد داشت. بنابرین ظاهراً این دیوار حدود ده و نیم فوت ارتفاع و ده و نیم فوت عرض داشته است که این مرد اندازه‌گیری کرده است. اما همانطور که جلوتر می‌روید، آیه ششم را سپس به دروازه‌ای که رو به شرق بود، رفت. از پله‌های آن بالا رفت و آستانه دروازه را اندازه گرفت. « می‌بینید آیه هشتم: ایوان دروازه را اندازه گرفت «(و ابعاد آن را به شما می‌دهد. آیه دهم: اتاق‌های « عمق آن یک میله بود دروازه سه در این طرف و سه در آن طرف بودند. و آیه یازدهم: عرض ورودی دروازه را اندازه گرفت «. بنابرین، شما یک توصیف بسیار دقیق دارید.

مردم این جزئیات را بررسی کرده‌اند و آن را رسم کرده‌اند تا تصویری از ساختار معبد حزقیال: دو تفسیر داشته باشید. اما زمینه را به خاطر داشته باشید. حزقیال به سرزمین اسرائیل می‌آید. او به معنای رؤیایی، در یک زمینه رؤیایی، معبد را می‌بیند و تمام ویژگی‌های سازه را از داخل و خارج اندازه‌گیری می‌کند. به یاد داشته باشید، این ساختمانی نیست که در زمان حزقیال در اسرائیل وجود داشته باشد؛ چیزی است که در یک رؤیا دیده شده است. حالا من فکر می‌کنم این نشان می‌دهد که یا خدا با این رؤیای دقیق از این معبد، به صورت نمادین به حزقیال ایده‌هایی داده است، یا می‌تواند به این معنی باشد که در آینده ساختمانی به این اندازه وجود خواهد داشت. البته، این دو تفسیر اصلی جایگزین هستند: اینکه این رؤیایی از چیزی است که قرار بود روزی به معنای واقعی کلمه باشد یا اینکه این تصویری نمادین از چیزی برای آینده است.

چون اندازه‌گیری خانه « را می‌خوانید [KJV]، وقتی به فصل ۴۲ در این بخش، آیات ۱۵-۲۰ می‌رسید درونی را به پایان رساند، مرا به سوی دروازه‌ای که چشم‌انداز آن به سمت شرق است، آورد و آن را از هر طرف پیمود. او سمت شرقی را با نی اندازه‌گیری، پانصد نی، با نی اندازه‌گیری از هر طرف پیمود. او سمت شمالی را پانصد نی، با نی اندازه‌گیری از هر طرف پیمود. او سمت جنوبی را پانصد نی، با نی اندازه‌گیری از هر طرف پیمود. او به سمت غرب برگشت و پانصد نی با نی اندازه‌گیری از هر طرف پیمود. او آن را از چهار طرف پیمود: دیواری گرداگرد آن بود، پانصد نی طول و پانصد نی عرض، تا بین محراب و مکان نامقدس جدایی ایجاد کند.»

نگاه کنید، ۴۲:۱۵ است NIV حالا، من از کینگ جیمز می‌خوانم، اما اگر به گونه‌متنی – ذراع یا نی LXX چون اندازه‌گیری آنچه در داخل محوطه معبد بود را تمام کرد، مرا از دروازه شرقی بیرون برد « می‌گوید NIV به جای «. و اطراف آن را اندازه گرفت: او ضلع شرقی را با چوب اندازه‌گیری از هر طرف پانصد ذراع بود وجود دارد، آن آیه ۱۶ است، می‌گوید: «به NIV پانصد نی»، نوشته شده «پانصد ذراع». «یک یادداشت متنی در» ترجمه هفتادگانی، آیه ۱۷ مراجعه کنید «در آیه ۱۷ آمده است»: او ضلع شمالی را اندازه‌گیری کرد، پانصد ذراع بود «و یادداشت متنی می‌گوید»: به عبری: چوب‌ها، همچنین در آیات ۱۸ و ۱۹ «بنابراین شما با اصطلاح ذراع یا نی مشکل متنی دارید، و همانطور که قبلاً اشاره کردم، یک نی شش ذراع است. بنابراین، اینکه بگویید پانصد ذراع یا پانصد نی که می‌شود ۳۰۰۰ ذراع یا حدود ۴۵۰۰ فوت، تفاوت بسیار زیادی ایجاد می‌کند»

بازگشت جلال خداوند

روایاتی که دیدم مانند روایاتی بود که وقتی او برای ویران کردن شهر آمد و «: سپس در حزقیال ۴۳:۳ مانند روایاتی که کنار رود کبار دیده بودم، دیده بودم و من رو به زمین افتادم. جلال خداوند از دروازه رو به شرق وارد معبد شد. سپس روح مرا بلند کرد و به حیاط داخلی آورد و جلال خداوند معبد را پر کرد. در حالی که آن مرد در کنار من ایستاده بود، شنیدم که کسی از درون معبد با من صحبت می‌کند. او گفت: «ای پسر انسان، این مکان تخت من و جای کف پاهای من است. اینجا جایی است که من تا ابد در میان بنی اسرائیل زندگی خواهم کرد. خاندان اسرائیل دیگر هرگز نام مقدس مرا - نه خودشان و نه پادشاهانشان - با فحشا و بت‌های بی‌جان پادشاهانشان در مکان‌های بلندشان بی‌آبرو نخواهند کرد. هنگامی که آستانه خود را در کنار آستانه من و ستون‌هایشان را در کنار ستون‌های من قرار دادند، و فقط دیواری بین من و آنها بود، نام مقدس مرا با اعمال نفرت‌انگیز خود بی‌آبرو کردند. پس من آنها را در خشم خود نابود کردم. اکنون بگذار آنها زناکاری خود و بت‌های بی‌جان پادشاهان خود را از من دور کنند، و من تا ابد در میان آنها ساکن خواهم بود.»

بنابراین آنچه او در رؤیا می‌بیند، بازگشت جلال خداوند است. «جلال خدای اسرائیل.» «او بازگشت جلال

خدای اسرائیل را به معبد می‌بیند. این جلال از دروازه شرقی که قبلاً از آن خارج شده بود، می‌آید. او قبلاً نیز رؤیایی دیده بود، زمانی که تمام شرارت‌های جاری در اورشلیم را دیده بود، فصل 10، آیه 19 و بعد از آن در نگاه جلال خداوند از بالای آستانه معبد خارج شد و بالای کروبیان ایستاد. «: آنجا در حزقیال 10:18 می‌خوانید کروبیان بال‌های خود را گشودند و از زمین برخاستند و همچنان که «: آیه 19 «... در حالی که من تماشا می‌کردم می‌رفتند، چرخ‌ها نیز با آنها می‌رفتند. آنها در ورودی دروازه شرقی خانه خداوند متوقف شدند و جلال خدای جلال خداوند از درون شهر بالا رفت و بر «: اگر به آیه ۲۳:۱۱ بروید، او می‌گوید «: اسرائیل بالای سر آنها بود فراز کوهی که در شرق آن بود، ایستاد. روح مرا برداشت و در رؤیایی که روح خدا داد، به بابل نزد تبعیدیان برد پیش از این، او رؤیایی از جلال خداوند دیده بود که اورشلیم را ترک می‌کرد. اکنون او رؤیایی از جلال خداوند «: «: می‌بیند که به اورشلیم باز می‌گردد و خدا می‌گوید» : من تا ابد در میان آنها زندگی خواهم کرد

حزقیال ۱۰:۴۳-۱۲ چیزی می‌گوید، اگر چه مبهم است و من مشکل تفسیر آن را حل هدف از معبد جدید ای «: نمی‌کنم، اما چیزی در مورد هدف معبدی که او دیده بود، می‌گوید. ببینید، آیات ۱۰-۱۲ از فصل ۴۳ می‌گوید پسر انسان، معبد را برای قوم اسرائیل توصیف کن تا از گناهان خود شرم‌منده شوند. بگذار آنها نقشه را بررسی کنند و اگر از هر کاری که کرده‌اند شرم‌منده هستند، طرح معبد - چیدمان آن، خروجی‌ها و ورودی‌های آن - کل طرح و تمام قوانین و مقررات آن را برایشان بیان کن. اینها را پیش روی آنها بنویس تا به طرح آن وفادار باشند و از تمام قوانین آن پیروی کنند. این قانون معبد است: تمام منطقه اطراف بالای کوه بسیار مقدس خواهد بود. چنین «: است قانون معبد

به نظر می‌رسد که معبد مظهر تقدس خداوند است و مردم باید به طرح آن نگاه کنند و در این طرح مفهوم یا ایده‌ای از تقدس خداوند وجود دارد و از آنها خواسته می‌شود که الگو را انداز مگیری کنند. این همان روشی است NIV. «که شاه جیمز عبارت موجود در آخرین عبارت آیه 10 را ترجمه می‌کند»: الگو را انداز مگیری کنید می‌گوید»: بگذارید طرح را در نظر بگیرند «: به نظر می‌رسد که به نوعی، مردم باید راه تقدس را بیاموزند تا بتوانند از گناهان خود شرم‌منده شوند، همانطور که آیه 10 می‌گوید، با آگاهی از جزئیات ساختار و کاربرد این معبد. رویایی.

حالا، حزقیال ۱۳:۴۳ و آیات بعدی درباره قربانگاه صحبت می‌کنند. ابعاد آن را شرح می‌دهد. فکر نمی‌کنم لازم باشد به جزئیات آن بپردازیم، این موضوع در ادامه فصل آمده است. قبل از ادامه بحث، سوالی دارید؟ سوال: آیا تا به حال معبدی شبیه به معبدی که حزقیال توصیف کرده، وجود داشته است؟

پاسخ: هرگز معبدی وجود نداشته است، چه معبد اصلی و چه معبد بازسازی شده در زمان بازگشت از تبعید یا حتی با الحاقات هیروود، هرگز از این طرح خاص پیروی نکرده است. از سوی دیگر، برخی عناصر وجود دارد، اگر به فصل ۴۷ بروید، فکر می‌کنم همه اینها یک تکه هستند، شما این رودخانه را دارید که از محراب به

سمت دریای مرده جاری است و هر چه پیش می‌رود عمیق‌تر می‌شود. چگونه این کار را انجام می‌دهید؟ بنابراین برخی از ویژگی‌ها وجود دارند که به نظر می‌رسد فراتر از امکان ساخت و ساز هستند.

حزقیال ۴۳: ۱۳-۲۷ محراب را توصیف می‌کند، و این ما را به انتهای فصل ۴۳ می‌رساند، که توصیف معبد رویایی و بخش‌های مختلف آن است. اگر به هر تفسیر استانداردی نگاه کنید، نمودارهایی پیدا خواهید کرد، بیاپید بگوییم نمودارهایی که از توصیف خود معبد و سپس از منطقه بزرگتر معبد با حیاط‌ها و حیاط داخلی، حیاط بیرونی، دیوار اطراف آن، خود محراب و پشت آن ساخته شده‌اند. آنها نمودارهایی مانند این ارائه می‌دهند. بنابراین می‌توان آن را تجسم کرد.

بیاپید به ب. برویم، "توصیف عبادت در معبد" ب. توصیف عبادت در معبد رویایی -- حزقیال ۴۴-۴۶ رویایی. "باز هم، نمی‌خواهم با جزئیات دقیق به این موضوع نگاه کنم، اما فقط یک ایده کلی بگیرم. در حزقیال آنگاه آن مرد « شما اظهاراتی در مورد لایوان و کاهنان و شاهزاده دارید. به چهار آیه اول توجه کنید، ۳۱-۱: ۴۴ مرا به دروازه بیرونی محراب، که رو به شرق بود، بازگرداند و آن بسته بود. خداوند به من گفت: « این دروازه باید بسته بماند. نباید باز شود؛ هیچ‌کس نمی‌تواند از آن وارد شود. باید بسته بماند زیرا خداوند، خدای اسرائیل، از تنها خود شاهزاده می‌تواند در داخل دروازه بنشیند تا « در مورد دروازه شرقی آمده است «». آن وارد شده است در حضور خداوند غذا بخورد. او باید از طریق ایوان دروازه وارد شود و از همان راه بیرون برود «سپس آن مرد مرا از طریق دروازه شمالی به جلوی معبد آورد. نگاه کردم و جلال خداوند را دیدم که معبد خداوند را پر کرده بود و من رو به زمین افتادم «».

بسته شدن دروازه شرقی تا زمانی که این شاهزاده بیاپید

ببینید، آن چهار آیه اول درباره بسته شدن دروازه شرقی تا زمان آمدن این شاهزاده صحبت می‌کنند. و در این بخش اشارات دیگری به شاهزاده وجود دارد. سوال این است که "او کیست؟" ممکن است در ابتدا تعجب کنید که "آیا او مسیح است؟ آیا او مسیح است؟" اما، وقتی بیشتر می‌خوانید، واضح به نظر می‌رسد که شاهزاده نمی‌تواند شاهزاده باید از بیرون از طریق ایوان دروازه وارد شود و کنار " مسیح باشد. اگر به ۴۶:۲ نگاه کنید، می‌خوانید ظاهراً این شاهزاده " ستون دروازه بایستد. کاهنان باید قربانی سوختنی و قربانی‌های رفاقت خود را قربانی کنند حقوق کاهنی ندارد". کاهنان باید قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های رفاقت خود را قربانی کنند " - این ۴۶:۲ است. در ۴۵:۲۲ آمده است: " در آن روز، شاهزاده باید برای خود و برای همه مردم سرزمین، گاو نری برای قربانی خداوند متعال چنین می‌فرماید: اگر شاهزاده از میراث خود به یکی « گناه فراهم کند " او باید قربانی گناه تقدیم کند

«از پسرانش هدیه‌ای بدهد، آن هدیه به فرزندانش نیز تعلق خواهد داشت؛ این میراث، دارایی آنها خواهد بود. بنابراین شاهزاده پسرانی دارد.

اکنون، چارلز فاینبرگ، در تفسیر خود، از معبد به عنوان معبدی واقعی که آنها ساخته‌اند، استفاده هویت شاهزاده می‌کند. او احساس می‌کند که شاهزاده از نوادگان داوود است که از نظر حکومتی نماینده مسیح خواهد بود؛ نه مسیح، بلکه نماینده حکومت مسیح. برخی دیگر از مفسران معتقدند که شاهزاده خود داوود است. من فکر می‌کنم رسیدن به یک نتیجه قطعی در مورد هویت شاهزاده بسیار دشوار است. به نظر می‌رسد که او به نوعی به عنوان نایب‌السلطنه خداوند در برخی وظایف عمل می‌کند. او وظایف مهم خاصی دارد، اما مطمئناً باید او را از مسیح متمایز کرد.

### نقش لاویان

بیابید به فصل ۴۴ کتاب حزقیال برویم. آیات ۵-۹ می‌گویند هیچ بیگانه یا خارجی نباید در معبد کار پست « انجام دهد. آیات ۱۰-۱۴: لاویان باید به عنوان نگهبانان خانه عمل کنند. به آیه ۱۰ و بعد از آن مراجعه کنید لاویانی که هنگام گمراهی اسرائیل از من دور شدند و از من به دنبال بت‌هایشان رفتند، باید عواقب گناه خود را متحمل شوند. آنها می‌توانند در معبد من خدمت کنند، مسئول دروازه‌های معبد باشند و در آن خدمت کنند. آنها می‌توانند قربانی‌های سوختنی و قربانی‌ها را برای مردم ذبح کنند و در مقابل مردم بایستند و به آنها خدمت کنند. اما از آنجایی که آنها در حضور بت‌های خود به آنها خدمت کردند و خاندان اسرائیل را به گناه انداختند، بنابراین من با دست بلند سوگند یاد کرده‌ام که آنها باید عواقب گناه خود را متحمل شوند «خداوند متعال می‌گوید»: آنها نباید به عنوان کاهن به من نزدیک شوند یا به هیچ یک از مقدسات من یا مقدس‌ترین هدایای من نزدیک شوند. آنها باید ننگ اعمال نفرت‌انگیز خود را متحمل شوند. با این حال، من آنها را مسئول وظایف معبد و تمام کارهایی که باید بنابراین لاویان، که مسئول بخش زیادی از انحطاط گناه‌آلود در اسرائیل «در آن انجام شود، قرار خواهم داد بودند، در اینجا نگهبانان معبد هستند. آنها کارهای پست انجام می‌دهند و از مقام کاهنی بالاتر که در آیات ۱۵-۱۷ اما کاهنانی که لاوی و از نسل صادوق هستند « به کاهنانی از نسل صادوق داده شده است، محروم هستند. آیه ۱۵ و وظایف مقدس مرا با وفاداری انجام دادند، هنگامی که بنی‌اسرائیل از من گمراه شدند، باید به حضور من بیایند و صادوق در زمان شورش ابشالوم به داوود وفادار بود و سلیمان را به عنوان پادشاه مسح کرده بود «... خدمت کنند. و فرزندان نسل صادوق، کاهنان این معبد خواهند بود.

آیات ۲۸-۳۱ از فصل ۴۴، در مورد تأمین معاش کاهنان، چگونگی تأمین نیازهای آنها از طریق هدایا و غیره است. در فصل‌های ۴۵-۴۶، توضیحاتی در مورد هدایا و قربانی‌ها و روزهای مقدسی که باید رعایت شوند، آمده است. من به جزئیات آن نمی‌پردازم، اما شرح مفصلی از آن دارید.

ج. مرزها و تقسیمات سرزمین در رؤیای حزقیال - حزقیال ۴۷-۴۸

ببایید به فصل‌های ۴۷-۴۸ برویم: «مرزها و تقسیمات سرزمین در رؤیای حزقیال» ببایید با فصل ۴۷، آن مرد مرا به ورودی معبد بازگرداند و دیدم که آب « دوازده آیه اول شروع کنیم، زیرا این رودخانه معبد است از زیر آستانه معبد به سمت شرق جاری است) زیرا معبد رو به شرق بود. (آب از زیر ضلع جنوبی معبد، جنوب قربانگاه، پایین می‌آمد. سپس مرا از دروازه شمالی بیرون آورد و از بیرون به دروازه بیرونی رو به شرق هدایت کرد و آب از ضلع جنوبی جاری بود. همانطور که آن مرد با نخ اندازه‌گیری در دست به سمت شرق می‌رفت، هزار ذراع اندازه‌گیری کرد و سپس مرا از آبی که تا مچ پا عمق داشت، عبور داد. هزار ذراع دیگر اندازه‌گیری کرد و مرا از آبی که تا کمر عمق داشت، عبور داد. هزار ذراع دیگر اندازه‌گیری کرد، اما اکنون رودخانه‌ای بود که نمی‌توانستم از آن عبور کنم زیرا آب بالا آمده بود و به اندازه‌ای عمیق بود که می‌شد در آن شنا کرد - رودخانه‌ای که هیچ کس نمی‌توانست از آن عبور کند. او از من پرسید: «ای پسر انسان، آیا این را می‌بینی؟» «سپس مرا به ساحل رودخانه برگرداند. وقتی به آنجا رسیدم، تعداد زیادی درخت در دو طرف رودخانه دیدم. او به من گفت: «این آب به سمت شرق جریان دارد و به عربه می‌رود و در آنجا به دریا می‌ریزد. وقتی به دریا می‌ریزد، آب آنجا تازه می‌شود. هر جا که رودخانه جاری شود، انبوهی از موجودات زنده زندگی خواهند کرد. تعداد زیادی ماهی وجود خواهد داشت زیرا این آب به آنجا جاری می‌شود و آب شور را تازه می‌کند. بنابراین هر جا که رودخانه جاری می‌شود، همه چیز زنده خواهد ماند. ماهیگیران در امتداد ساحل خواهند ایستاد. از عین جدی تا عین اجلایم، مکان‌هایی برای پهن کردن تور وجود خواهد داشت. ماهی‌ها از انواع مختلف خواهند بود - مانند ماهی‌های دریای بزرگ. اما باتلاق‌ها و مرداب‌ها تازه نخواهند شد؛ آنها برای نمک باقی خواهند ماند. درختان میوه از انواع مختلف در هر دو ساحل رودخانه رشد خواهند کرد. برگ‌های آنها پژمرده نخواهد شد و میوه آنها از بین نخواهد رفت. هر ماه میوه خواهند داد زیرا آب از محراب به سمت آنها جاری می‌شود. میوه آنها برای غذا و برگ‌های آنها برای شفا استفاده خواهد شد.»

#### رودخانه معبد

بنابراین شما این تصویر جالب از این رودخانه را دارید. آب‌ها از محراب معبد، معبد رؤیا، شروع می‌شوند و از معبد خارج می‌شوند. این مرد در حال اندازه‌گیری عمق است و همانطور که به سمت شرق می‌رود، هزار ذراع (حدود هزار و پانصد فوت)، آب تا مچ پایش می‌رسد. و سپس، هزار و پانصد فوت پایین‌تر، آب تا زانوهایش می‌رسد. هزار و پانصد فوت دیگر، تا باسنش می‌رسد. هزار و پانصد فوت دیگر، از بالای سرش می‌گذرد؛ او باید در آن شنا کند. حالا نکته جالب این است که به نظر می‌رسد رشد رودخانه غیرقابل توضیح است.

با خروج این نهر کوچک از معبد شروع می‌شود. اما در هر ربع مایل، عمیق‌تر و عمیق‌تر می‌شود تا اینکه به یک رودخانه بزرگ و عمیق تبدیل می‌شود. این یک پدیده نسبتاً عجیب است. هیچ اشاره‌ای به ورود شاخه‌های فرعی وجود ندارد؛ فقط به نظر می‌رسد که حجم آن هر چه دورتر می‌رود، افزایش می‌یابد. بنابراین به نوعی غیرقابل توضیح، این آب هر چه از محراب معبد دورتر می‌شود، عمق بیشتری پیدا می‌کند. سپس وقتی کمی بیشتر می‌خوانید، آیات ۹ تا ۱۲، می‌گویند که درختانی در کناره‌های رودخانه وجود دارند و آب خاصیت شفابخشی دارد.

طرح این سوال که چگونه حزقیال ۴۰ تا ۴۸ را تفسیر کنیم

البته می‌توانید برسید، هدف از همه اینها چیست؟ چگونه باید این را بفهمیم؟ آیا این را باید به معنای واقعی کلمه یا نمادین در نظر گرفت؟ آیا این توصیفی از تغییر فیزیکی است؟ چه چیزی باید اتفاق بیفتد که چنین پدیده‌ای را ممکن سازد؟ چرا این همه جزئیات در مورد رشد و عمق رودخانه و درختان و کیفیت شفا بخش برگ‌ها وجود دارد؟ فکر می‌کنم وقتی این را می‌خوانید، نمی‌توانید جلوی فکر کردن به شباهت آن را بگیرید، هر چند که با مکاشفه ۲۲ یکسان نیست، جایی که به یوحنا رودخانه‌ای از آب حیات، به زلالی کریستال، که از تخت خدا و از سرزمین جاری می‌شود، نشان داده می‌شود. مطمئناً تصاویر مشابه هستند. بنابراین ممکن است برسیم که در حزقیال، مانند مکاشفه، چیزی وجود دارد که به صورت نمادین با جریان این رودخانه به تصویر کشیده شده باشد؟ توجه کنید که در حزقیال، این یک پیروزی کامل نیست که رودخانه به آن دست یابد. به عبارت دیگر، تصویر اینجا مانند تصویری است که در جاهای دیگر در پیامبران می‌بینید، جایی که می‌گویند عدالت زمین را فرا خواهد گرفت، همانطور که آب دریا را فرا می‌گیرد. این موضوع عمومیت ندارد، زیرا می‌گویند که باتلاق‌ها باقی می‌مانند و مرداب‌ها کاملاً تازه نخواهند شد. این آیه ۱۱ است. بنابراین قرار نیست همه چیز شفا یابد یا تازه شود.

حالا، در مورد تفسیر، بیایید تا پایان این بحث صبر کنیم و سعی کنیم به نتایجی برسیم. اما پس از آن در فصل ۴۷، توضیحاتی از مرزهای سرزمین برای قبایل مختلف و برای کل سرزمین ارائه شده است. و این توصیف نسبتاً قابل توجهی در مورد مرزها است. این از تفسیر اسکندر گرفته شده است. تقریباً مطابق با این مرزها، این شکل خواهد بود. شما متوجه یک نکته در مورد مرز کشیده شده در یک انتها می‌شوید. این مرز بسیار بالاتر از دمشق امتداد دارد. من مطمئن هستم که این نوع دیدگاه در فضای سیاسی فعلی به حل اختلافات در آنجا کمکی نمی‌کند. بنابراین، این توصیف کاملاً متفاوت از مرزها نسبت به مرزهای کنعان اصلی است. سپس همچنین تدارکاتی را برای شاهزاده و کاهنان و لایوان شرح می‌دهد. شما مرزهایی را برای قلمرو شاهزاده، سهم کاهنان، لایوان، محراب دریافت می‌کنید. اما دوباره، با حرکت از اردن به مدیترانه، مرزها مستقیماً از هم عبور می‌کنند.

بنابراین این تا فصل ۴۸ ادامه دارد. بنابراین در این ۹ فصل، ۴۰-۴۸، شما یک تصویر دارید که با تصویری از معبد شروع می‌شود. همه چیز رؤیایی است. سپس عبادت در معبد و انواع قربانی‌هایی که آورده می‌شوند، دروازه‌ای که برای شاهزاده رزرو شده و تا زمان آمدن او بسته نگه داشته می‌شود، و سپس این رودخانه

بزرگ که از محراب شروع می‌شود و به بیرون می‌رود. در نهایت، رؤیای سرزمینی که توسط سهم‌های قبیله‌ای تقسیم شده است. بنابراین این ما را به یک سوال تفسیری می‌رساند: همه اینها در مورد چیست؟

رونویسی توسط ربکا گیونز  
ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس  
مجدد توسط دکتر پری فیلیپس      روایت